

بحران کرونا: بستری برای بازنگری در مسئله علم و دین از منظر «دین عامیانه»

محمد مهدی فلاح*

چکیده

مسئله علم و دین از جمله مسائل اصلی در فلسفه دین به حساب می آید. رخدادهای به خصوص تاریخی بستری هستند برای به محک گذاشتن الگوهایی که برای تبیین نسبت علم و دین در فلسفه دین مطرح شده‌اند. از جمله این رخدادهای تاریخی که جامعه بشری امروز با آن دست به گریبان است می توان به بحران کرونا اشاره کرد. به نظر می رسد الگوهایی که تاکنون برای تبیین نسبت بین علم و دین مطرح شده‌اند همگی به واسطه نظری بودن توان بررسی واقعیت انضمامی علم و دین را در ارتباط با بحران کرونا در ایران ندارند؛ واقعیتی که به میزان زیادی بیش از آنکه تابع تحلیل های مفهومی باشد، تابع مؤلفه های اجتماعی است. مدعی این مقاله آن است که پیرامون این رخداد تاریخی، دیدگاهی که قائل به تعارض میان علم و دین است قابل اطلاق به وضعیت جاری در ایران نیست، ولی واقعیت انضمامی حکایت از بروز تعارض هایی در مواجهه جامعه دینی با توصیه های علمی دارد. دلیل این اختلاف تضاد بین تحلیل مفهومی و واقعیت انضمامی است. به نظر می رسد با در نظر گرفتن مقوله ای به نام «دین عامیانه» می توان این اختلاف را درک کرد. در این مقاله با به کار گرفتن مقوله «دین عامیانه»، که خصوصاً در مطالعات اجتماعی دین و از منظر پدیدارشناسانه قابل تصور است، تلاش می شود تا تبیینی از تعارض پیش آمده در ارتباط با بحران کرونا در ایران ارائه گردد. بدین منظور با بررسی ناکارآمدی دیدگاه های موجود در ارتباط با نسبت

* دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشگاه علامه طباطبائی، m_fallah@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

بین علم و دین در ادبیات این حوزه، گفته می‌شود که با در نظر گرفتن مقوله «دین عامیانه» می‌توان تبیینی از مسئله علم و دین به دست داد که مشخصاً در ایران پیرامون بحران کرونا قابل استعمال باشد.

کلیدواژه‌ها: علم، دین، بحران کرونا، دین رسمی، دین عامیانه.

۱. مقدمه

نسبت بین علم و دین از جمله مسائل اساسی در حوزه فلسفه دین به حساب می‌آید. تلاش‌های فلسفی متعددی برای تعیین نسبت بین علم و دین صورت گرفته که هر کدام بر وجهی از مسئله تأکید دارند. در ایران نیز به واسطه اهمیت مقوله تاریخی علم و نیاز به توسعه و دینی بودن جامعه ایران، مسئله علم و دین مورد توجه جدی قرار گرفته است و نظریه پردازان متعددی درباره آن اعلام موضع کرده‌اند. فارغ از بحث‌های معمول در این حوزه که در کتاب‌های متعددی می‌توان از آن‌ها سراغ گرفت، مسئله علم و دین جزء مسائل زنده فلسفه دین به حساب می‌آید؛ چون این مسئله، به مانند مسائل دیگری همچون بحث معنای زندگی و دین و اخلاق، در دقایق مختلف تاریخی مجال طرح می‌یابد و لازم است متفکران متناسب با شرایط جدید نسبت به بازاندیشی در آن اهتمام ورزند. موضوعی که امروز مسئله علم و دین را مجدداً بر سر زبان‌ها آورده بحران کرونا است.

ویروس کرونا (و بیماری کووید-۱۹) ((Coronavirus disease (COVID-19)) اتفاقی بود که از اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی در چین برای اولین بار ظهور یافت و در مدتی کم‌تر از چهار ماه بدل به یک معضل جهانی شد. کشورهای مختلف متناسب با مناسبات فرهنگی خود رویکردهای متنوعی را در قبال این بیماری و نحوه مواجهه با شیوع آن اتخاذ کردند که تحلیل کنونی همه این رویکردها به نظر عجولانه می‌رسد. ابعاد این بیماری و جهانی شدن آن به نحوی است که مسلماً تا سالیان متمادی تأثیرات فراوانی در ساحات مختلف حیات انسان خواهد گذاشت. این وضعیت هر ذهن پرسش‌گری را به خود درگیر می‌کند و پرسش‌های زیادی را در ارتباط با آن برمی‌انگیزاند. از جمله این مسائل، بررسی رویکرد کشورهای دین‌دار در مواجهه با این بحران است که به نظر می‌رسد بتوان از خلال این بررسی و مشاهده نابسندگی‌های موجود، نسبت به بازنگری در مسئله علم و دین همت گمارد. مسلماً این پرسش در چارچوب تلاش‌هایی است که پیش‌تر برای فهم این مسئله صورت گرفته‌اند، ولی مدعای این مقاله آن است که بحران کرونا منظر جدیدی را پیش

روی مسئله علم و دین می‌گشاید و رسالت این مقاله بررسی این منظر جدید است.

براساس روایت علمی از بحران کرونا، این ویروس یکی از موضوعات علم پزشکی جدید است و باید براساس الگوهای معیارینی که در علم پزشکی برای مواجهه با بیماری‌های ویروسی وجود دارد با آن مواجه شد؛ که براساس آن به ترتیب علائم شناسایی، روش‌های پیشگیری و درمان بررسی و در نهایت، نسبت به مهار و جلوگیری از شیوع آن ویروس اقدام می‌شود. از آنجا که دین اسلام نیز براساس خاتمیت علی‌الاصول مدعی است در ارتباط با مسائل مختلف دیدگاهی متنفذ دارد، هر گونه اظهارنظری از جانب جامعه دینی در قبال این فرایند محملی است برای طرح مجدد مسئله علم و دین؛ اظهارنظرهایی که مشخصاً در ایران بعضاً در موافقت یا مخالفت مطرح شده‌اند و شرایط برای طرح مجدد این مسئله را فراهم کرده‌اند. موضعی که از جانب جامعه دینی در مخالفت با توصیه‌های پزشکی مطرح شوند بر تعارض دلالت دارند و موضعی که بر تأیید توصیه‌های پزشکی تأکید دارند را می‌تواند قائل به استقلال، گفت‌وگو یا وحدت دانست (توضیح درباب هر یک از این دیدگاه‌ها در بخش بعدی خواهد آمد). بنابراین در اینجا فرض گرفته می‌شود که راه‌حل علمی در حل بحران کرونا مشخص است^۱ و مواضع جامعه دینی در برابر این راه‌حل‌ها است که تعیین‌کننده نسبت میان علم و دین است.

در پاسخ به این قبیل اظهارنظرها برخی افراد از زوایای مختلف به طرح این مسئله پرداختند. ولی مدعای اصلی این مقاله آن است که بحران کرونا وضعیت منحصربه‌فردی را در ارتباط با مسئله علم و دین ایجاد کرده و هرچند متفکران، هر یک براساس الگوهای پیشین، پاسخ‌هایی به این نسبت داده‌اند، ولی به‌نظر می‌رسد که نسبت به وجوه انحصاری آن غافل مانده و در نهایت از تحلیل کلی مسئله ناتوان شده‌اند. این مقاله با محدود کردن خود به بررسی مسئله در ایران مدعی آن است که بحران کرونا پرده از شکافی بنیادین بین الگوهای دین‌داری در ایران برمی‌دارد که بدون لحاظ نمودن این شکاف، عملاً امکان پاسخ به مسئله میسر نیست. به‌طور مشخص، مدعای این مقاله آن است که نمی‌توان براساس الگوهای پیشین در بررسی مسئله علم و دین موفق به فهم بحران کرونا در ایران شد؛ چون هرچند الگوهای پیشین هر یک در ارتباط با تحلیل بحران کرونا در ایران نماینده دارند و متفکران تلاش کرده‌اند براساس آن الگوها به تحلیل مسئله اقدام کنند، ولی آشکارا مسائل حل‌نشده‌ای فراوانی باقی مانده است و این، اولاً نابسندگی آن الگوها را مشخص می‌سازد و ثانیاً، از ضرورت افزودن ابزارهایی برای تحلیل مسئله پرده برمی‌دارد. به‌نظر می‌رسد ابزار

مورد نیاز در اینجا قائل شدن به تمایزی است میان دین رسمی (formal religiosity) و عامیانه (folk religiosity).

در این مقاله پس از بررسی مواضع طرح شده در باب کرونا و نسبت آن‌ها به الگوهای پیشین، با اتخاذ موضعی پدیدارشناسانه که براساس آن «دین عامیانه» قابل تصور می‌شود، به ناکارآمدی آن الگوها نظر خواهیم انداخت و در نهایت به فهم بهتری از این مسئله دست خواهیم یافت.

۲. مواضع مختلف در ارتباط با بحران کرونا

در ادبیات پژوهش علم و دین، صورت‌بندی‌های متفاوتی برای بررسی نسبت علم و دین مطرح شده است. هر یک از این صورت‌بندی‌ها تلاش دارند با توجه به احکامی که از جانب متصدیان دین یا متولیان علم صادر می‌شوند نسبت به تعیین نسبت میان علم و دین به‌طور کلی اقدام کنند. برای مثال، آلیستر مک‌گراث (Alister E. McGrath) از الگوی دو وجهی سخن به میان می‌آورد که عبارتند از (۱) تقابل و (۲) عدم تقابل، که شق دوم خود به (۲،۱) هم‌گرا بودن علم و دین یا (۲،۲) متمایز بودن آن دو قابل تقسیم است (McGrath, 1999: 44-50). از سوی دیگر ایان باربور (Ian Barbour) معتقد به الگوی چهاروجهی در ارتباط با مسئله علم و دین است که در عرض هم قرار دارند. این چهاروجه عبارت‌اند از: تعارض، استقلال، گفت‌وگو و وحدت (باربور، ۱۳۸۶: ۴۹). مسلماً دقت در ظرایف هر یک از این دیدگاه‌ها روشن‌کننده و جوه شباهت و تفاوت میان آن دو است، ولی به‌طور کلی می‌توان مدعی شد که الگوی باربور برای مقصود ما در این مقاله مناسب‌تر است؛ چون اولاً احصاء نظری و جامعیت بیش‌تری دارد و می‌تواند مواضع مطرح در ایران پیرامون بحران کرونا را بهتر توضیح دهد، و ثانیاً وجهه نظری/مفهومی دارد و این ویژگی تقریباً بین همه الگوهای مطرح شده برای بررسی نسبت علم و دین مشترک است. بنابراین در این مقاله برای پیشبرد مباحث مقدماتی از الگوی باربور بهره خواهیم گرفت.

از ابتدای اسفند ۱۳۹۸ که ظهور کرونا در ایران به‌طور رسمی تایید شد تا زمان نگارش این مقاله، هر یک از چهار دیدگاه الگوی باربوری، نماینده داشته‌اند و مواضع متفکران ایرانی، هر کدام وجهی از این جوه را نمایندگی کرده‌اند. در واقع با بررسی مواضع طرح شده توسط متفکران در ارتباط با این مسئله می‌توان مدعی شده که این چهار دیدگاه هر یک

قائلینی دارند و متفکران ایرانی تلاش کرده‌اند براساس این چهار دیدگاه به فهم بحران کرونا در ارتباط با مسئله دین اهتمام ورزند. در زیر این چهار دیدگاه قابل مشاهده است:

۲-۱ دیدگاه تعارض

دست کم تا به امروز سه متفکر صراحتاً قائل به دیدگاه تعارض شده‌اند؛ بدین معنی که تصریح دارند وضعیّت مسئله علم و دین در ایران پیرامون بحران کرونا وضعیّت تعارض است. مدعای ایشان بدین قرار است که مواضع جامعه دینی ایران در قبال بحران کرونا مطابق گزاره‌های نهاد علم نیست و این عدم تطابق پرده از تعارض بنیادین میان علم و دین برمی‌دارد. از جمله این اظهارنظرها می‌توان به مواضع زیر اشاره کرد.

رحیم محمدی، از اعضای پیوسته انجمن جامعه‌شناسی ایران، در اظهارنظری بیان می‌کند که «در واقع آشکار شدن این ستیز و ناسازگاری میان دین و علم از پیامدهای ویروس کشنده کورونا است و ما ایرانیان را با پرسش‌های تعیین کننده مواجه می‌سازد» (محمدی، ۱۳۹۸). حسن محدثی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، در اظهار نظر دیگری بیان می‌کند:

درواقع این نوعی کارزار بین علم و دین است. وقتی این بحث مطرح می‌شود گویی نیروی دینی در مقابل نیروی علمی و متخصصان پزشکی کشور ایستادگی می‌کند. بنابراین، منازعه قدیمی علم و دین در کشور دوباره زنده شده و از همین منظر است که با مقابله با دستاوردهای علمی دنیا بر مبنای برخی باورهای اسطوره‌ای، اعتبار دین و نوعی از فرهنگ دینی را زیر سوال می‌برد (محدثی، ۱۳۹۸).

در فایل تصویری که از سروش دباغ در فضای مجازی منتشر شده ایشان نیز بیان می‌کند که تا زمانی که اسلام حداکثری بر سر کار باشد، این قبیل تعارض‌ها پیش خواهد آمد (دباغ، ۱۳۹۸). البته باید متذکر شد که این افراد لزوماً خود قائل به الگوی تعارض میان علم و دین نیستند؛ یعنی بیان نمی‌کنند که نسبت میان علم و دین ضرورتاً تعارض است؛ بلکه مدعای ایشان این است که آنچه در ایران محقق شده نشان‌دهنده چیزی جز الگوی تعارض نیست. پیشنهاد این افراد (مشخصاً پیشنهاد حسن محدثی و سروش دباغ) جایگزینی دینی عقلانی یا حداقلی است که این تعارض‌ها را از میان بردارد و به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دین و علم منتهی شود.

۲-۲ دیدگاه استقلال

قائلین به دیدگاه استقلال علم و دین نیز در ایران نمایندگانی دارند. شاید از جمله برجسته‌ترین این نمایندگان در ارتباط با بحران کرونا رسول جعفریان، استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران، باشد که در یک مصاحبه مطبوعاتی، پس از بررسی‌های تاریخی مرتبط با این موضوع، موضع خویش در قبال این مسئله را روشن ساخته است. او می‌گوید: «اگر روحانیت، طیب معنوی مردم است و منابع خودش را دارد، پزشک طیب مادی و مستقل است و کارش هیچ ارتباطی با منابع طب روحانی و دینی که برای ترویج تقوا در زندگی است، ندارد» (جعفریان، ۱۳۹۸). اصرار جعفریان بر استقلال تا آنجا پیش می‌رود که حتی تأکید مراجع برای پیروی از توصیه‌های پزشکی را بلاوجه دانسته و بیان می‌کند که اساساً نیازی به اعلام موضع از جانب آنان نیست و پزشکان باید براساس آنچه برایشان محرز شده عمل کنند.

عبدالکریم سروش نیز در اظهارنظری مبهم که البته مشخصاً در این ارتباط با مسئله علم و دین مطرح نشده بیان می‌کند که «ما باید این انتظارات را عوض کنیم و از دین انتظار نجات و سعادت اخروی داشته باشیم و بس» (سروش، ۱۳۹۹). با کنار هم قرار دادن این عبارت و تصریحاتی که ایشان پیش‌تر در ارتباط با مسئله علم و دین مطرح شده است می‌توان مدعی شد که سروش نیز قائل به دیدگاه استقلال است و وظیفه دین را پرداختن به امور اخروی می‌داند و رسالت علم را پرداختن به امور دنیوی.

۲-۳ دیدگاه گفت‌وگو

در این میان دیدگاه افرادی مثل ابراهیم اخلاصی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، را می‌توان ذیل دیدگاه قائلین به گفت‌وگو تقسیم‌بندی کرد. براساس دیدگاه گفت‌وگو، هرچند روش‌ها و مضمون دین و علم از یکدیگر مستقل هستند، ولی نقاط تلاقی و پیوند مهمی بین آن‌ها وجود دارد که باید کشف شود (باربور، ۱۳۸۶: ۸۲). در اظهارات اخلاصی هم دلالت‌های ناظر دیدگاه استقلال دیده می‌شود، ولی در فقراتی اشاره دارد به اینکه باید میان علم و دین دادوستد صورت می‌گیرد و هر یک از جانب دیگری چیزی می‌آموزد. به تعبیر اخلاصی:

نه دین، مرادف با علم (در معنای تجربی) است و نه علم (در معنای تجربی آن) هم‌ارز با

محمد مهدی فلاح ۶۳

دین، علم، علم است و دین، دین؛ هر دوی آن‌ها عزیز و برخوردار از اصول موضوعه، اهداف، لوازم و کارکردهای خاص خود بوده و هیچ کدام قابل تحویل به دیگری نیست. [...] بدین ترتیب، از جمله درس‌های مهم کرونا، ضرورت بازاندیشی و بازتعریف قلمرو علم و دین و اهداف و کارکردهای هر کدام از آن دو از سوی متولیان آن دو نهاد، و نیز تأمین بیش از پیش استلزامات تعامل چندسویه و متقاطع^۳ آن دو با یکدیگر است. (اخلاصی، ۱۳۹۸)

بنابراین می‌توان دیدگاه اخلاصی را در این میان گفت‌وگویی دانست. مسلماً بین این دیدگاه و دیدگاه استقلال تفاوت وجود دارد؛ تفاوت‌هایی که نمی‌توان هیچ یک از این دیدگاه‌ها را به دیگری تحویل برد.

۲-۴ دیدگاه وحدت

در نهایت هم می‌توان از دیدگاه وحدت صحبت کرد که براساس آن، با قائل شدن به تمایزی بین دین و علم واقعی و دین و علم ظاهری، تعارض‌ها را به دین و علم ظاهری احاله داده می‌شود و بیان می‌شود که دین و علم حقیقی در واقع با یکدیگر سازگاری و تلائم دارند. غروی‌ان در ارتباط با بحران کرونا قائل به چنین دیدگاهی شده است (غروی‌ان، ۱۳۹۸). به اعتقاد باربور در این دیدگاه هدف، تأسیس مابعدالطبیعه‌ی جامعی است که مشتمل بر علم و دین باشد و از تعارض‌ها عبور کند (باربور، ۱۳۸۶: ۹۶). به نظر می‌رسد غروی‌ان نیز در این میان قائل به تأسیس چنین مابعدالطبیعه‌ای باشد که در آن تعارض‌ها از میان برداشته شود.

چنانچه از نقل قول‌های بالا قابل مشاهده است، هر یک از چهار دیدگاه در ارتباط با بحران کرونا در ایران نمایندگان و قائلانی دارند و الگوی باربور برای تحلیل بحران کرونا کاربست دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که الگوی چهاروجهی باربور برای تحلیل مسئله دست‌کم در ایران کارآمد است. ولی مدّعی این مقاله آن است که در ساحت انضمامی این الگو نابسندگی دارد و نمی‌تواند واقعیت مسئله روشن سازد. بخش بعدی متکفل بررسی این نابسندگی است.

۳. نابسندگی الگوهای نظری برای تحلیل نسبت علم و دین در ایران

با عنایت به آنچه در ارتباط با بحران کرونا در ایران رخ داده می‌توان مدّعی شد که

الگوهای موجود برای تحلیل نسبت میان علم و دین نابسند هستند. این نابسندگی از آن جهت قابل فهم است که هیچ یک از الگوهای مطرح شده قابلیت تحلیل واقعیت انضمامی نسبت بین علم و دین در ایران را ندارند. در این بخش به ناکارآمدی هر یک از این دیدگاه‌ها اشاره خواهد شد و نتیجه خواهیم گرفت که ناکارآمدی همه این دیدگاه‌ها دلالت دارد بر نابسندگی الگوی باربور برای تحلیل نسبت بین علم و دین در ایران. نشان دادن ناکارآمدی دیدگاه تعارض به نسبت سه دیدگاه دیگر صریح‌تر است؛ هر چند که در نهایت استدلال خواهد شد که همه این الگوها به دلیل نظری بودن و عدم توجه به واقعیت اجتماعی دین، نابسند هستند و به دلیل این نابسندگی از تحلیل واقعیت نسبت علم و دین ناتوان. بنابراین در ابتدا به ناکارآمدی صریح دیدگاه قائل به تعارض خواهیم پرداخت و در ادامه به ناکارآمدی عمومی همه دیدگاه‌های نظری اشاره خواهد شد.

۳-۱ ناکارآمدی صریح دیدگاه مبتنی بر تعارض

از همه دلایلی که برای ناکارآمدی الگوهای معمول در نسبت میان علم و دین مطرح می‌شود، ناکارآمدی دیدگاه مبتنی بر تعارض خصوصاً در ارتباط با بحران کرونا در ایران صریح‌تر به نظر می‌رسد. این صراحت به این دلیل است که ما تجربه‌های تاریخی مشخصی از تعارض میان دین و علم داریم که مقایسه آنها با نحوه مواجهه جامعه دینی با بحران کرونا نشان‌دهنده هیچ قرابتی نیست. برای مثال، محمد الحداد روایت مستندی از برخورد مسلمانان اهل سنت با شیوع بیماری وبا در جهان اسلام ارائه می‌دهد. در روایت او آنچه روشن است تلاش محدثین برای فراهم آوردن احادیثی است که مرگ بر اثر وبا را نه تنها پذیرفتنی که مطلوب جلوه می‌دهد؛ تا جایی که بیان می‌شود مرگ برای مسلمان مصداق شهادت است (الحداد، ۱۳۹۸). این در حالی است که در ارتباط با بحران کرونا هیچ یک از این اقدامات در جامعه شیعیان ایران دیده نمی‌شود. روایت‌های مشابهی از تحقق الگوی تعارض در دنیای مسیحی هم قابل مشاهده است که هیچ‌کدام با آنچه در ایران در جریان است تطابق ندارد.

در حقیقت به نظر می‌رسد که شرط ابتدایی برای صادق دانستن دیدگاه تعارض، طرح گزاره‌های از جانب نهاد دین است که با گزاره‌های طرح شده از جانب نهاد علم تعارض داشته باشد. این گزاره‌ها به دانشی ارجاع دارند که ادعا می‌شود دین مشتمل بر آنها است.

اگر جامعه دینی از ابتدا به دنبال چنین گزاره‌های نرود و عملاً دین مدعی داشتن گزاره‌های دانشی در این ارتباط نباشد، شرط لازم برای تحقق تعارض از میان برداشته می‌شود و در واقعیت هم تعارضی رخ نمی‌دهد. دین بر این اساس خود را به گزاره‌های ارزشی محدود کرده و اگر چنین باشد، هیچ ناسازگاری‌ای با علوم پیدا نمی‌کند (ملکیان، ۱۳۹۷: ۳۱۷).

چنانچه برتراند راسل مدعی است سرچشمه فکری برخورد بین دین و علم/احکام دینی به شمار می‌رود (راسل، ۱۳۹۸: ۱۲). مطالعه مواضع متولیان دین در میان شیعیان حکایت از این موضوع دارد که عملاً در این زمینه، حکم مستقلی صادر نشده است و عملاً تلاش برای طرح گزاره‌های دانشی در ارتباط با بحران کرونا صورت نگرفته است. در واقع در اظهارنظرهای مراجع تقلید که متولی نهاد دین در ایران به حساب می‌آیند هیچ دلالتی برای وجود چنین گزاره‌های دانشی دیده نمی‌شود (بیات‌زنجانی، ۱۳۹۸)، (جوادی آملی، ۱۳۹۸)، (خامنه‌ای، ۱۳۹۹)، (خراسانی، ۱۳۹۸)، (روحانی، ۱۳۹۸)، (سبحانی، ۱۳۹۸)، (سیستانی، ۱۳۹۹)، (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۸)، (علوی گرگانی، ۱۳۹۸)، (مظاهری، ۱۳۹۹)، (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۸)، (نوری‌همدانی، ۱۳۹۸).^۴

بررسی دقیق اظهارات مراجع حکایت از آن دارد که آن‌ها به رعایت کامل توصیه‌های پزشکی تأکید کرده‌اند و از مفاد این اظهارات برمی‌آید که گویی حتی نظر مراجع به این توصیه‌های پزشکی تفیض شده است. این تفیض حکایت از دو واقعیت دارد:

۱. این نشان می‌دهد که دست کم در بحران کرونا، اسلام شیعی حتی در روایت حداکثری هم با علم تعارض ندارد. تفیض اختیار به توصیه‌های پزشکی را نمی‌توان به معنای تحقق اسلام حداقلی در نظر گرفت، بلکه این اظهارنظر به نحوی القاء می‌شود که گویی نظر فقیه در ارتباط با بحران کرونا مطابق آن چیزی که پزشک می‌گوید. بنابراین مبتنی بر این تفیض، روایت حداکثری حفظ می‌شود و عملاً در نتیجه آن، احکام عرصه پزشکی نیز حکم دین در نظر گرفته می‌شود.

۲. علاوه بر این، این اظهارات بر ابطال دیدگاه مبتنی بر استقلال دلالت دارند؛ چون عملاً در اینجا موضوع مورد بحث، از دین خارج نشده و هنوز شامل در دین به حساب می‌آید. حکم به نحوی صورت‌بندی شده که گویی حکم پزشک همان حکم دین است. زیرا بر اساس دیدگاه استقلال باید بین علم و دین در حوزه‌های موضوع، روش و غایت تفاوت باشد، اما در اینجا تفاوت احراز نمی‌شود و نظریه استقلال نیز وافی به مقصود نیست.

بر این اساس می‌توان مدعی شد که دیدگاه تعارض در ارتباط با بحران کرونا در ایران صادق نیست و بین علم و دین نسبت تعارض صراحتاً برقرار نمی‌باشد (هرچند تلویحاً نسبت استقلال نیز بر این اساس صادق نیست).

۲-۳ ناکارآمدی عمومی همه‌الگوهای نظری

علاوه بر ناکارآمدی صریح دیدگاه تعارض، همه‌الگوهای نظری برای تبیین نسبت بین علم و دین دست‌کم دارای یک ناکارآمدی عمومی نیز هستند و آن عبارت است از نظری بودن آن‌ها. به‌طور کلی مدّعی مسئله علم و دین، کشف نسبت دو مقوله علم و دین به‌مثابه دو امر کلی است، و بر این اساس است که احکام نهاد علم و نهاد دین برای تعیین نسبت میان آن دو اهمیت می‌یابد؛ چون به‌واسطه این نهادها است که کلیت مورد نظر مسئله تأمین می‌شود. تنها در صورتی یکی از نسبت‌های چهارگانه باربوری محقق می‌شود که از جانب نهاد علم و نهاد دین به مسئله نگریسته شود؛ ولی آنچه در واقع امر پیرامون بحران کرونا در ایران اتفاق افتاد دلالت بر شکلی از تعارض دارد که البته این بار نه در سطح نهاد علم و دین، بلکه در سطح جامعه دینی و جامعه علمی است. مخالفت‌هایی که از جانب برخی از افراد درون جامعه دینی با توصیه‌های پزشکی دیده شده را نمی‌تواند به‌عنوان موضع نهاد دین در نظر گرفت و نمی‌توان آن را براساس الگوی باربوری تحلیل کرد، ولی درعین حال نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد بلکه باید آن را در لحاظ نمودن نسبت میان علم و دین لحاظ نمود.

مخالفتی که از سوی بخشی از جامعه دینی با بسته شدن مکان‌های مقدّس و اجرای مناسب صورت گرفت را باید تعارض در سطح واقعیت اجتماعی در نظر گرفت و نه تعارض میان نهاد علم و نهاد دین. الگوهای نظری برای تحلیل نسبت علم و دین اساساً ورودی به این ساحت ندارند و همگی به واسطه تأکید بر کلیت، در سطح نهاد باقی می‌مانند. ولی آنچه مسلم است این است که این تعارض در سطح جامعه دینی اتفاق افتاده و با واقعیت انضمامی دین در ارتباط است. در حقیقت به‌نظر می‌رسد که اولاً در اینجا بین نهاد دین و بخشی از جامعه دینی تعارض وجود دارد و ثانیاً، تعارض بین آن بخش از جامعه دینی با نهاد علم است؛ دو تعارضی که هیچ‌کدام در الگوهای نظری تحلیل علم و دین در نظر گرفته نمی‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد که این ناکارآمدی عمومی همه‌الگوهای نظری است. در جهت جبران این نابسندگی، به نظر می‌رسد از خلال طرح مقوله «دین عامیانه» بتوان چاره‌ای اندیشید. در حقیقت به نظر می‌رسد «دین عامیانه» کلیدی برای حل مشکل تعارض بین بخشی از جامعه دینی با نهاد علم باشد. فصل بعدی متکفل بررسی این مفهوم است.

۴. کلید فهم تعارض انضمامی علم و دین: «دین عامیانه»

به نظر می‌رسد که کلید فهم تعارض میان علم و دین در ارتباط با بحران کرونا، نه تعارض میان نهاد دین با نهاد علم، که تعارض میان «دین عامیانه» با نهاد علم است. تلاش‌های زیادی برای تعریف دین عامیانه صورت گرفته است. دین عامیانه از جمله مقولاتی است که متفکران اجتماعی برای فهم برخی از کنش‌های جامعه دینی جعل کرده‌اند. متفکران اجتماعی در تحلیل دین نمی‌توانند در سطح کلیات باقی بمانند و باید به دنبال مقولاتی باشند که واقعیت اجتماعی دین را توضیح دهد. بدین منظور ایشان در تحلیل واقعیت اجتماعی دین متوجه کنش‌هایی از سوی جامعه دینی شده‌اند که در اظهارات دین رسمی قابل تبیین نیست و برای جبران این کاستی به مفهوم «دین عامیانه» رجوع کرده‌اند (موسی‌پور، ۱۳۹۳). بنابراین دین عامیانه از جوهی از دین سخن به میان می‌آورد که در بررسی‌های نهادی از دین غافل مانده است؛ بررسی‌های نهادی که مستند به متون مقدس ادیان هستند و بعضاً وجهه ارزشی/هنجاری نیز به خود می‌گیرند.

به‌طور کلی دو گونه دین عامیانه قابل تصور است: (۱) دین عامیانه‌ای که در جوامع کوچک مبتنی بر قبیله شکل می‌گیرد و (۲) دین عامیانه‌ای که در جوامع بزرگ شکل می‌گیرد (Heibert et al, 1999: 75). با توجه به مقتضیات این مقاله، ما در اینجا با گونه دوم دین عامیانه سروکار داریم؛ یعنی دینی که در نسبت با ادیان رسمی در جوامع شهری و بزرگ تعریف می‌شوند. چالز هـ لانگ در تعریف دین عامیانه دست‌کم هفت تعریف را از یکدیگر متمایز می‌کند که مراد از دین عامیانه در اینجا با تفسیر دوم از این تفاسیر مرتبط‌تر است:

دین عامیانه به منزله دین مردم عادی غیرروحانی در یک جامعه دینی و در تضاد با دین روحانیان. روحانیان، حاملان سنتی عالمانه‌اند که معمولاً بر وجهت فرهیختگی استوار است [...] زمانی که دانش مشروع نزد روحانیان محدود شود، مردم غیرروحانی متون مقدس را

به شیوه خاص خود یعنی براساس نیازها و شعور و تشخیص خودشان تفسیر می‌کنند (لانگ، ۱۳۹۳: ۲۵).

بر این اساس، دین عامیانه مردمی را شامل می‌شود که در وضعیت‌های عادی به‌عنوان جزئی از بدنه جامعه دینی پذیرفته می‌شوند، ولی حیات آن‌ها خصوصاً در بزنگاه‌های اجتماعی (مثلاً در ارتباط با کرونا در اینجا) بروز واقعی خود را پیدا می‌کند. این گونه از دین‌داری در زیر پوست دین رسمی به حیات خویش ادامه می‌دهد و به‌نحوی حتی از آن تغذیه می‌کند. به تعبیری؛ مردم عادی در ادیان عامیانه برخی از آموزه‌های کلی سنت‌های دینی رسمی را می‌آموزند ولی به آن اکتفا نمی‌کنند و آن را به مسائلی از فرهنگ عامیانه جاری در سطح جامعه می‌آمیزند (و براساس همین وجه است که از تعبیر «عامیانه» استفاده می‌کنیم و نه «عوامانه»).

آنان در مجالس محلی جمع می‌شوند، در مواقع خاص برای انجام مناسک و اعمال در معابد، مساجد، حرم‌ها یا کلیسا حاضر می‌شوند و از روحانیان و وعاظ می‌خواهند در مناسک فامیلی در منزل حاضر شوند.

با این حال، برای اکثر آن‌ها اشکال محلی دین رسمی صرفاً بخشی از حیات آن‌ها است. معمولاً آن‌ها مشغول زندگی و سروکله زدن با بحران‌های زندگی هرروزه‌شان هستند. چون رهبران در ادیان رسمی دغدغه موضوعات بزرگ دارند، مردم برای تبیین و مواجهه با پرسش‌های روزانه خود به باورهای محلی و اعمالی مثل احضار ارواح، جادو و چشم‌زخم می‌پردازند (Heibert et al, 1999: 76-7).

یعنی به‌تعبیری می‌توان گفت که دین عامیانه همان کاستی‌ای را جبران می‌کند که دین رسمی از آن بازمانده است.

پژوهش‌هایی در ارتباط با تعریف دین عامیانه در اسلام نیز صورت گرفته است. گونه عامیانه اسلام، هم با نگرش‌های عالمان دینی و به‌طور کلی نخبگان فرهنگی فاصله دارد، هم با رویکردهای مراجع حکومتی و سیاسی مرکزی. در واقع، مردم از این مراجع و مراکز پیش می‌افتند و احساس می‌کنند که آن‌ها بنابر مصالح محافظه‌کار شده‌اند (واردنبورگ، ۱۳۹۳: ۶۸) و اقدامات دین‌داری عامیانه برای جبران انفعال دین رسمی قوام می‌گیرد. تجربه‌های دینی در زندگی روزمره غالباً از این گونه دین‌داری عامیانه تجربه‌های دست‌اولی به‌دست می‌دهد. برای مثال تقریباً همه دین‌داران با افرادی مواجه می‌شوند که قائل به باورهایی هستند که مستند به متون مقدس و مورد تأیید متولیان دین رسمی نیست؛ ولی فرد آن را

جزئی از باور دینی خویش به حساب می‌آورد. این باورها که غالباً از فرهنگ عامیانه جامعه به دین منتقل شده‌اند با باورهای دینی ترکیب شده و نزد فرد و جاهت دینی پیدا می‌کنند؛ به نحوی که فرد حقیقتاً باور پیدا می‌کند که آن باور عامیانه بخشی از دین است.

تلاش‌هایی برای مقابله با دین عامیانه، هم از جانب متولیان دین رسمی و هم از جانب روشنفکران، صورت می‌گیرد؛ اولی غالباً با عنوان «انحرافات دینی» با دین عامیانه روبه‌رو می‌شود و دومی معمولاً تحت تعبیر «خرافه» به سراغ آن می‌رود. فارغ از اینکه در واقع چه معیاری برای تمایز قائل شدن میان باور، انحراف و خرافه وجود دارد، این عناوین ابزارهایی در اختیار دین رسمی از یک سو و روشنفکران از سوی دیگر قرار می‌دهد تا علاوه بر منکوب کردن آگاهانه دین عامیانه، آن را به صورت ناخودآگاه از دستگاه تحلیلی خویش نیز کنار بگذارند؛ واقعیتی که از دریچه پدیدارشناسی جامعه دینی باید وجود آن را تصدیق کرد ولی به دلایل ارزشی/هنجاری از دستگاه تحلیلی کنار گذاشته می‌شود و این غفلت باعث بدفهمی مسائل انضمامی جامعه دینی می‌گردد.

در ارتباط با بحران کرونا نیز به نظر می‌رسد چنین وضعیتی پیش آمده است. در حقیقت دین عامیانه که ذیل دین رسمی ظرف سالیان گذشته نضج گرفته و از آموزه‌های دین رسمی ارتزاق کرده، برای خویش آموزه‌ها و مفاهیم وضع نموده که لزوماً با تفسیر دین رسمی هم‌خوان نیست. ولی این عدم هم‌خوانی جز در مواقع بحران بروز نمی‌کند. در ارتباط با بحران کرونا چنین وضعی حادث شده است: آموزه‌های دین عامیانه در باب زیارت قبور ائمه در درون دین رسمی شکل گرفته و حتی از درون آن مؤیداتی نیز پیدا کرده است، ولی از آن فراتر رفته و در دقایقی مثل بروز بحران کرونا مجال ظهور پیدا می‌کند؛ تا جایی که در برابر دین رسمی قرار می‌گیرد و به مخالفت با آن می‌پردازد.

بر اساس الگوی معمول دین‌داری، در هنگام بروز مسائل مختلف، افراد دین‌دار به مفسرین مشروع متن مراجعه می‌کنند که در اینجا متولیان دین رسمی هستند؛ چون آنان خود یا توانایی تفسیر را ندارند یا برای تفسیر خود مشروعیت قائل نیستند. ولی این الگوی معمول در همه جا صادق نیست. در واقع در بزنگاه‌هایی دین‌داران عامیانه تفسیر مفسرین مشروع را رضایت‌بخش نمی‌یابند و از آن عدول می‌کنند. از جمله این بزنگاه‌ها مواجهه با مسائلی است که خصوصاً با مسائل سیاسی و مناسبات قدرت درگیر است. در این مواقع دین عامیانه در ابتدا تلاش می‌کند که مطلوب خویش را در تفاسیر مشروع و متولیان دین رسمی بیابد و در صورتی که در این مسیر کامیاب نشود، تلاش می‌کند تا مطالبات خود را

مستقلاً پیش ببرد. دین‌داری رسمی در مواجهه با عملکرد دین‌عامیانه در این موقعیت‌ها مواضع این دین‌داران را تندروری و افراطی‌گرایی قلمداد می‌کنند، ولی این قبیل تعابیر دست‌کم در تحلیل واقعیت اجتماعی مدخلیت ندارند و به واسطه‌شان صرفاً معرفتی، در تحلیل‌ها مدنظر قرار نمی‌گیرد. در واقع آنچه در ساحت انضمامی رخ می‌دهد جزئی از دین‌درنظر گرفته می‌شود و باید با قائل شدن با تفکیک‌هایی مثل «دین رسمی» و «دین عامیانه» برای طبقه‌بندی و تبیین آن تلاش کرد.

اینگونه به نظر می‌رسد که درنظر گرفتن مقوله «دین عامیانه» تبیین‌گر تعارضاتی است که در واقعیت انضمامی جامعه دینی در ارتباط با بحران کرونا پیش آمده است، ولی در سطح نهادی قابل مشاهده نیست. در واقع، مدعای اصلی آن است که براساس الگوهای معمول بررسی نسبت میان علم و دین تعارضی میان علم و دین دست‌کم در ارتباط با بحران کرونا و پیرامون این بحران در ایران وجود ندارد؛ بلکه تعارض اولاً میان دین رسمی و دین عامیانه است و ثانیاً تعارض میان دین عامیانه و نهاد علم است. مخالفت‌هایی که برای بسته شدن حرم حضرت معصومه (س) در قم و حرم امام رضا (ع) در مشهد صورت گرفته حکایت از این تعارض‌ها دارند؛ مخالفت‌هایی که توسط مراجع به‌عنوان متولیان دین رسمی تأیید نشد، ولی در ادامه هرچند مجال بروز از آن گرفته شد ولی همچنان به حیات خویش ادامه می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

براساس آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که الگوهای معمول برای بررسی نسبت میان علم و دین برای تحلیل بحران کرونا در ایران بسنده نیستند. این تحلیل‌ها همگی پیرامون بحران کرونا نمایندگانی داشته‌اند، ولی هیچ‌یک از این تحلیل‌ها قابلیت تبیین کامل مسئله را نداشتند. این‌گونه به نظر می‌رسد که مشکل عمده این تحلیل‌ها توقف در سطح نظری/نهادی و نادیده گرفتن تحلیل‌های انضمامی/اجتماعی است.^۵ از جمله مقولاتی که در تحلیل‌های انضمامی/اجتماعی مورد استفاده است، مقوله «دین عامیانه» است. دین عامیانه به‌نوعی قابل انتساب به دین است و به‌نوعی از آن جداست. ولی آنچه مهم است آن است که برای تبیین تعارض‌های صورت گرفته در این میان چاره‌ای جز مراجعه به این مقوله وجود ندارد. در واقع دین عامیانه دارای علم، جهان‌بینی و مناسک مخصوص خود است که مورد تأیید دین

رسمی نیست؛ ولی به هر ترتیب به حیات خویش ادامه می‌دهد و در بزنگاه‌هایی مجال بروز می‌یابد.

به نظر می‌رسد که با ظهور مدرنیته و کم‌رنگ شدن مشروعیت نهادی رسمی در دین (که البته روشنفکری دینی نیز در آن سهم بزرگی داشته است) (برگر، ۱۳۹۳: ۴-۱۱۳)، مجال برای ظهور شکل‌های غیررسمی و عامیانه دین بیش‌تر فراهم می‌شود. در حقیقت به نظر می‌رسد کاهش اعتبار نهادهای رسمی دین و باز شدن امکانات برای تفاسیر فردی و شخصی، پیامدهایی نیز به همراه دارد که از جمله آن‌ها بروز آشکالی از دین‌داری است که هرچند بیش‌تر فردی و خودآیین هستند، ولی علاوه بر این خودکفایانه عمل می‌کنند و برای اقدام و کنش در سطح اجتماعی نیاز کمتری به مرجعیت‌های بیرونی دارند. از جمله این اقدامات خودکفایانه‌تر، تعارضاتی است که در سطح انضمامی در مخالفت با توصیه‌های علمی و مغایر با نظر نهاد رسمی دین در بحران کرونا در ایران اتفاق افتاد. در اینجا نیز دین‌داری رسمی تحت عنوان انحراف و روشنفکری با اتهام خرافه به سراغ آن رفت؛ اقداماتی که هر دو باعث مخدوش شدن تصویر واقعیت اجتماعی دین در ایران می‌شود. این درحالی است که به نظر می‌رسد رویکرد صحیح لحاظ نمودن دین عامیانه در سطح تحلیل‌های دینی و تلاش در جهت مواجهه صحیح با آن است.

پی‌نوشت

۱. مخالفت‌هایی با قطعی بودن و خلل‌ناپذیری راه‌حل‌های علمی از جانب نسبی‌گرایان و بحث‌هایی مشخصاً در ارتباط با نسبت بین علم پزشکی با سایر علوم طبیعی نیز مطرح است که در این مقاله از ذکر و بررسی آن‌ها صرف‌نظر شده است.
۲. برای ملاحظه تحلیلی از این الگوها، ببینید (احمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۸)
۳. کزنویسی از من است.
۴. ممکن است که در این میان برخی از مراجع اختلافاتی با نظر قاطبه فقها داشته باشند، ولی این نظرات به صورت رسمی مطرح نمی‌شوند و بنابراین قابل ارجاع نیستند.
۵. از جمله معدود تلاش‌های صورت گرفته در ایران برای نزدیک شدن به «دین عامیانه» در بررسی نسبت علم و دین، مصاحبه مصطفی ملکیان است که البته به نظر می‌رسد رویکردی کاملاً متفاوت با این مقاله دارد. در آن مصاحبه ایشان مدعی می‌شوند که توده دین‌داران در سطح گزاره‌ای دین باقی می‌مانند و تعارض‌ها را در آنجا پیگیری می‌کنند، در حالی که تعارض در سطح روحیه

بیش تر در سطح عالمان اتفاق می افتد؛ این در حالی است که براساس مدعای این مقاله، این دین رسمی است که در سطح گزاره‌ای و مستند به متون بحث می‌کند و دین عامیانه است که غیرمستند به متون و براساس روحیه دینی عمل می‌کند. به بیان ایشان «ما هر چه از سطح توده‌های مردم و متدینان ساده‌اندیش و ساده‌لوح ادیان و مذاهب بالاتر برویم، به نظر من حل تعارض مشکل تر می‌شود، یعنی توده‌ها اگر به تعارضی برخورد می‌کنند، بیشتر همین تعارض بین گزاره‌های دینی و گزاره‌های علمی است و اتفاقاً حل این نوع تعارض، از انواع دیگر آسان‌تر است. اما وقتی به سطوح بالاتر می‌رویم، این طور نیست. در سطوح بالاتر، تعارض بیشتر بین پیش‌فرض‌های علمی و پیش‌فرض‌های دینی پیش می‌آید.» (ملکیان، ۱۳۷۳: ۷۴)

منابع

- احمدی، فاطمه؛ آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۸۸). «بررسی مقایسه‌ای روابط علم و دین در الهیات جدید مسیحی (با تأکید بر آرای مک‌گرا، باربور و پیترز)». *مجله‌/ادیان و عرفان*. شماره ۱. پاییز و زمستان. صص. ۲۷-۱۱.
- اخلاصی، ابراهیم (۱۳۹۸). «کرونا و بازاندیشی مؤمنانه در روایت‌پردازی ساده‌انگاره از دین». *عطنا*. دسترسی در <http://www.atnanews.ir/archives/292914>: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶
- باربور، ایان (۱۳۸۶). «راه‌های ارتباط علم و الهیات». در: *فیزیک، فلسفه و الهیات*. ترجمه همایون همتی. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. صص ۱۰۲-۴۹.
- برگر، پیترو لودویگ (۱۳۹۳). *اجبار به بدعت (ج ۱)*. ترجمه و نقد فراهم فریدوالا، چاپ اول. قم: نشر ادیان.
- بیات‌زنجانی، اسدالله (۱۳۹۸). «پاسخ حضرت آیت‌الله‌العظمی بیات‌زنجانی به یک استفتاء: وقتی که موضوع شناسان و مسئولان امر سلامت هشدارهای لازم را می‌دهند، همین برای قطعیت حکم شرعی کفایت می‌کند»، *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله بیات‌زنجانی*: <http://bayat.info/۴>
- جعفریان، رسول (۱۳۹۸). «همه طب سنتی، اندازه آزمایش پاستور ارزش ندارد». *خبرآنلاین*. دسترسی در <https://www.khabaronline.ir/news/1362279/>: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹
- رسول-جعفریان-همه طب-سنتی-اندازه-آزمایش-پاستور-ارزش-ندارد.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۸). «پیام نوروزی آیت‌الله‌العظمی جوادی‌آملی؛ قدردانی از کادر درمانی کشور و برشمردن وظیفه عموم در وضع کنونی». *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی*. دسترسی در <http://javadi.esra.ir/>: ۱۳۹۸/۱۲/۲۹
- پیام-نوروزی-آیت-الله-العظمی-جوادی-آملی؛-قدردانی-از-کادر-درمانی-کشور-و-برشمردن-وظیفه-عموم-در-وضع-کنونی?

محمد مهدی فلاح ۷۳

- الحداد، محمد (۱۳۹۸). «ستایش مرگ؛ تصویر طاعون در قرن نوزدهم». دین آنلاین. دسترسی ۱۳۹۸/۱۲/۶: <http://www.dinonline.com/content/15809>
- ستایش مرگ؛ تصویر طاعون در قرن نوزدهم. / 15809
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). «تدابیر ستاد ملی مبارزه با کرونا و وزارت بهداشت لازم‌الاجرا است». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۲۵: <https://www.leader.ir/fa/content/>
- پاسخ به گزارش وزیر بهداشت درباره اقدامات برای مقابله با کرونا - و طرح بسیج ملی مبارزه با کرونا. خراسانی، سیدمحمدامین (۱۳۹۸). «۱۴ استفتاء از محضر آیت‌الله العظمی امین خراسانی پیرامون کرونا». پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله سیدمحمدامین خراسانی: <http://aminkhorasani.ir/fa/?p=965>
- دباغ، سروش (۱۳۹۸). «کرونا، تقدیر الهی و پزشکی». خلاصه صوت گفت‌وگو مدرسه آزادفکری. دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۲۳: <https://t.me/azadfekrischool/1717>
- راسل، برتراند (۱۳۹۸). علم و دین در جامعه. ترجمه: علی اصغر مهاجر و احمد ایرانی، چاپ اول، تهران: نشر جامی.
- روحانی، سید محمد صادق (۱۳۹۸). «پیام دفتر حضرت آیت‌الله العظمی روحانی در پی انتشار بیماری مرموز کرونا و درگذشت آیت‌الله خسروشاهی»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله سید محمدصادق روحانی. دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۲۳: <http://www.rohani.ir/fa/ndt/2754/>
- پیام دفتر حضرت آیت‌الله العظمی روحانی در پی انتشار بیماری مرموز کرونا و درگذشت آیت‌الله خسروشاهی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۸). «توصیه پزشکان درباره کرونا برای دوری از اجتماعات حجت است». خبرگزاری جمهوری اسلامی. دسترسی در ۳ اسفند ۱۳۸۹: <https://www.irna.ir/news/83685594/>
- آیت‌الله سبحانی - توصیه پزشکان درباره کرونا برای دوری از اجتماعات
- سروش، عبدالکریم (۱۳۹۹). «خدا به هر دردی نمی‌خورد». سایت زیتون. دسترسی در ۱۳۹۹/۱/۳: <https://www.zeitoons.com/74428>
- سیستانی، سید علی (۱۳۹۹). «استفتاءاتی درباره ویروس کرونا». سایت رسمی دفتر مرجع عالیقدر آقای سیدعلی حسینی سیستانی. دسترسی در ۱۳۹۹/۱/۳: <http://www.sistani.org/persian/archive/26399>
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۸). «آیت‌الله صافی گلپایگانی بر رعایت توصیه‌های پزشکی توسط مردم تأکید کرد». خبرگزاری جمهوری اسلامی. دسترسی در ۱۳۸۹/۱۲/۱۰: <https://www.irna.ir/news/>
- آیت‌الله صافی - گلپایگانی بر رعایت توصیه‌های پزشکی توسط مردم - تأکید.
- علوی گرگانی، سیدمحمد علی (۱۳۹۸). «درباره غسل میت کرونایی». پایگاه اطلاع‌رسانی مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله علوی گرگانی. دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۱۳: <http://site.agorgani.ir/estefta/>
- / سلام علیکماز ناظرین شرعی سازمان بهشت - م

۷۴ بحران کرونا: بستری برای بازنگری در...

- غروی، محسن (۱۳۹۸). «کرونا و عقلانیت دینی در گفتگو با غروی: علم و دین واقعی هماهنگ یکدیگرند نه دشمن هم». *خبرگزاری تسنیم*، دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۱۹: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/19/2220005/>
- غروی، علم و دین واقعی - هماهنگ یکدیگرند نه دشمن هم لانگ، چالز هـ (۱۳۹۳). «دین عامیانه». در: *مقدمه‌ای بر پژوهش دین عامیانه*. گزیده و ترجمه ابراهیم موسی‌پور. تهران: جوانه توس. صص. ۱۹-۴۵.
- محدثی، حسن (۱۳۹۸). «اسلام محمدی (ص) ما را به عقلانیت فرامی خواند». روزنامه *بیتکار*. سال شانزدهم. شماره ۴۴۹۴. ۱۳ اسفند ۱۳۹۸. ص. ۳.
- محفوظی، عباس (۱۳۹۸). «استفتاء شرعی از حضرت آیت الله العظمی محفوظی دامت برکاته در رابطه با خوف از ابتلاء به بیماری کرونا». *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله محفوظی*. دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۸: <http://www.mahfoozi.ir/fa/news/view/147/q:2qnYsdmI2YbYpw==>
- محمدی، رحیم (۱۳۹۸). «روی دیگر کشتار کرونا: آشکار شدن ستیز میان دین و علم». کانال تلگرام *جامعه ایرانی*. دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۱۰: <https://t.me/RahimMohamadi/865>
- مظاهری، حسین (۱۳۹۹). «توصیه‌های معظم‌له در پاسخ به سؤالی پیرامون بیماری کرونا». *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله مظاهری*. <http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx?ID=2661&CategoryNum=155&TabID=0005>
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸). «پیام آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در آستانه سال نو». *بلغ نیوز*. دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۲۸: <https://makarem.ir/news/fa/News/Details/419421/>
- پیام - آیت - الله - العظمی - مکارم - شیرازی - در - آستانه - سال - نو
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۷). «پیش‌فرض‌های بازسازی اسلامی علوم انسانی». در: *علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات*. ویراسته سیدحمیدرضا حسنی، مهدی علی‌پور و سیدمحمدتقی موحدابطحی. چاپ هفتم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. صص. ۳۲۳-۳۰۳.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۳). «بررسی گونه‌های تعارض بین علم و دین». *مجله علوم انسانی*. سال سوم. شماره ۱۰. صص ۸۴-۶۳.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۳). «دین عامیانه». در: *دانشنامه جهان اسلام (ج ۱۸)*. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- نوری‌همدانی، حسین (۱۳۹۸). «پیام معظم‌له در پی شیوع بیماری کرونا». *دفتر حضرت آیت‌الله نوری‌همدانی*، دسترسی در ۱۳۹۸/۱۲/۱۰: <http://www.norihemadani.ir/>
- واردنیورگ، ژاک (۱۳۹۳). «مسئله دین رسمی و دین عامیانه در مطالعات اسلامی». در: *مقدمه‌ای بر پژوهش*

محمد مهدی فلاح ۷۵

دین عامیانه. گزیده و ترجمه ابراهیم موسی پور، تهران: جوانه توس. صص. ۵۹-۱۰۷.

<https://noorihamedani.ir/post/view?id=9751>.

McGrath, Alister E. (1999). *Science & Religion : An Introduction*. Massachusetts: Blackwell Publishers Inc.

Heibert, Paul G.; Shaw, R. Daniel; Tienou, Tite (1999). *Understanding Folk Religion; A Christian Response to Popular Beliefs and Practices*. Michigan: Baker Books.